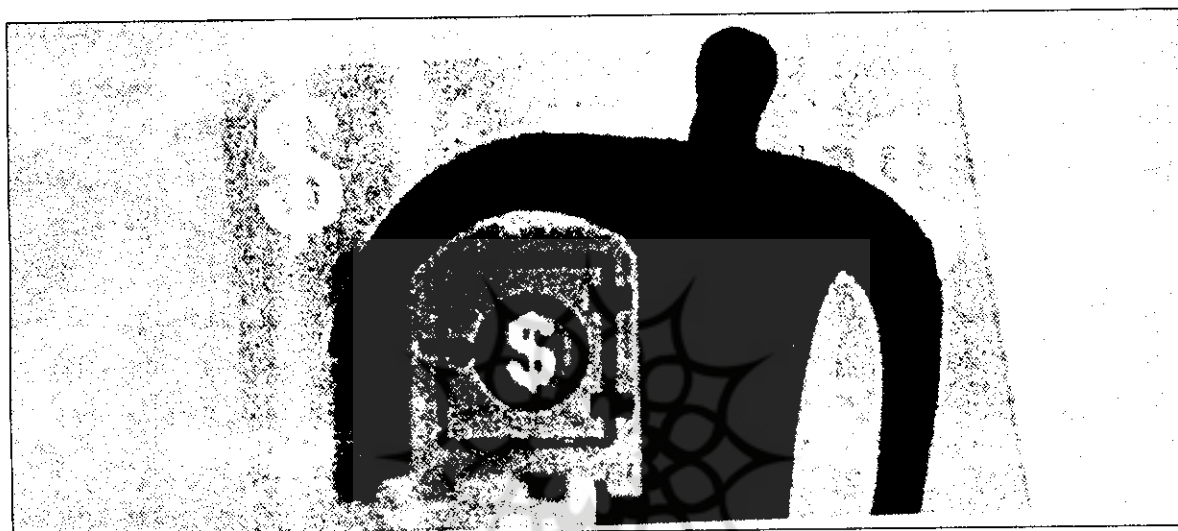


کیفیت حسابداری، حسابرسی و حاکمیت شرکتی



نویسنده: Eugene A. Imhoff Jr

ترجمه: محمدمهدی کسائی

مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد تفرش

موجود در بهبود کیفیت حسابرسی و فرآیند گزارش دهی مالی است. در این پیشنهادها، تضادهای عمده وجود دارد که امید است در برانگیختن بحث‌های راهبردی در جهت ارتقای کیفیت حسابداری حسابرسی و حاکمیت شرکتی موثر واقع شود.

این مقاله از سه بخش تشکیل می‌شود. در بخش اول موقعیت گذشته حسابداری، حسابرسی و حاکمیت شرکتی به منظور شناخت عواملی مورد بررسی قرار می‌گیرند که شرایط کنونی را بوجود آورده‌اند. در ادامه پیشنهاداتی را در زمینه بهبود حسابداری، حسابرسی و حاکمیت شرکتی ارائه می‌شود که انتظار می‌رود مشکلات ناشی از عدم صداقت و کیفیت در فرآیند گزارش‌دهی مالی را مرتفع می‌سازد. در سومین بخش مباحث تکمیلی و پژوهش‌های تجربی انجام شده به منظور ارتقای کیفیت و صداقت

چکیده

حل مشکلات کنونی مربوط به کیفیت و صداقت گزارش‌های مالی و ارائه اطلاعات مناسب، مطمئن، به‌هنگام و ارتقای آنها در دستیابی به بورس منظم در سراسر جهان باید همواره مورد توجه قرار گیرد.

با توجه قرار گرفتن حسابداری، حسابرسی و ساختار کمیت ناظر بر اجرای آنها، به‌عنوان اجزای حیاتی جریان اطلاعات به بازار سرمایه، و از طرفی با شکست‌های اخیر در سیستم حسابداری، نیاز روزافزون به بهبود هر یک از این اجزا ضروری شده است. جامعه علمی حسابداری، می‌تواند از طریق مقالات و پژوهش‌های علمی مرتبط، نقش مهمی را در ترغیب شرکت‌ها در جهت تقویت کارآمدی بازار ایفا کند.

هدف از این مقاله، ارائه پیشنهادهایی برای رفع موانع

آنها، اجزای حیاتی جریان اطلاعات به بازار سرمایه هستند. با این حال شکست های اخیر در سیستم حسابداری نیاز روز افزون برای بهبود هریک از این اجزا را ضروری ساخته است. جامعه علمی حسابداری، می تواند از طریق مقالات و پژوهش های علمی مرتبط نقش مهمی را در ترغیب شرکت ها در جهت تقویت کارآمدی بازار ایفا کند.

این مقاله از سه بخش تشکیل می شود. در بخش اول موقعیت گذشته حسابداری، حسابرسی و حاکمیت شرکتی به منظور شناخت عواملی مورد بررسی قرار می گیرد که شرایط کنونی را بوجود آورده اند. در ادامه پیشنهادهایی در زمینه بهبود حسابداری، حسابرسی و حاکمیت شرکتی ارائه می شود، که انتظار می رود مشکلات ناشی از عدم صداقت و کیفیت در فرآیند گزارش دهی مالی مرتفع می سازد. در سومین بخش مباحث تکمیلی و پژوهش های تجربی انجام شده به منظور ارتقای کیفیت و صداقت فرآیند گزارش دهی مالی ارائه خواهد شد.

تاریخچه: "نیاز به حسابرس"

انقلاب صنعتی قرن هیجدهم باعث شکل گیری بورس و جدائی مدیریت از مالکیت گردید. به دنبال این جدائی، شرایط برای رفتارهای سودجویانه مدیران فراهم شد. چندی بعد، سازمانی متشکل از حسابرسان مستقل تاسیس شد که برای تامین کنندگان منابع امکان به خدمت گرفتن حسابرسان را جهت نظارت بر عملکرد مدیرانشان فراهم می کرد. به هر ترتیب، شرکت های سهامی، بیش از یک قرن، برطبق قوانین گزارش دهی مالی ابلاغ شده از سوی بازار سرمایه به حیات خود ادامه دادند هر چند این مقررات فاقد الزامات مربوط به حسابرسی می شدند. همراه با بحران اقتصادی سال ۱۹۲۹ و با فروپاشی بازارهای سرمایه، کنگره علت این شکست را تا حدودی معلول عدم وجود گزارش هایی دانست که سرمایه گذاران و اعتباردهندگان انتظار ارائه آنها را دارند. به اعتقاد کنگره، مادامی که مردم اطمینان کافی نسبت به بازارهای اقتصادی ندارند، هیچگونه تغییری در شرایط حاصل نخواهد شد. از این رو، قوانین اوراق بهادار ۱۹۳۳ و بورس اوراق بهادار ۱۹۳۴ را برای رفع این مشکلات به تصویب رساند.

فرآیند گزارش دهی مالی ارائه خواهد شد. این مقاله سعی دارد تا حاکمیت شرکتی را در زمره مهم ترین علل پایین بودن کیفیت و صداقت سیستم گزارش دهی مالی امروز مطرح کند. در راس اشکالات گرفته شده، توسط نشریات تخصصی و دولت به کیفیت حسابرسی باید ابتدا به ضعف سیستم حاکمیت شرکتی اشاره کرد.

از میان سازمان های مسئول کمیسیون بورس و اوراق بهادار، مقام مسئول در نظارت بر بورس، فرآیند گزارش دهی مالی و الزام به رعایت استانداردهای جاری و قوانین همراه با آنها است و در حال حاضر، ضروری است تا بیش از پیش نسبت به مسئولیت خود حساسیت به خرج دهد، و انجمن حسابداران رسمی آمریکا نیز سازمانی است که مسئولیت رهبری حسابداری حرفه ای را برعهده دارد. هرچند این سازمان، تلاش های بسیاری را در جهت ایجاد و اصلاح "استانداردهای پذیرفته شده حسابرسی" و هدایت موسسات مستقل حسابرسی در موارد مربوط به حسابرسی و اعتباردهی، انجام داده است، ولی با این حال آنها نیز در راستای تقویت استقلال حسابرسان مستقل کار زیادی از پیش نبرده اند.

مقدمه

این مقاله، تحلیلی از ابعاد گوناگون گذشته و حال حسابداری، حسابرسی و ساختار حاکمیت شرکت های سهامی ارائه می دهد که منجر به شکل گیری شرایط کنونی در محیط گزارش دهی مالی شده اند. همچنین پیشنهادهایی در جهت حل مشکلات کنونی و ارتقای کیفیت و صداقت گزارش های مالی عنوان می شود. در این مقاله، اشاره خواهد شد که در صورت تمایل به پیشرفت در حسابداری و حسابرسی، لازم است تحولات عمیقی در حیطه حاکمیت شرکت های سهامی انجام پذیرد امید است با ارائه این مقاله بحث هایی در جهت ارتقای کیفیت حسابداری، حسابرسی و ساختار حاکمیت در شرکت های سهامی برانگیخته شود.

شرکت ها برای دستیابی به بورس منظم در سراسر جهان، باید همواره اطلاعات مناسب، مطمئن و بهنگام را در اختیار سهامداران و اعتباردهندگان خود قرار دهند. حسابداری، حسابرسی و ساختار حاکمیت ناظر بر اجرای

مسئولیت تهیه و تنظیم استانداردهای گزارش دهی مالی به کمیسیون بورس و اوراق بهادار واگذار شد و این نهاد در سال ۱۹۳۷ انتشار این استانداردها را آغاز کرد. آنها همچنین تمام شرکت‌های سهامی را ملزم کردند تا سالی یکبار، مستقلاً مورد حسابرسی قرار گیرند. حسابرسان مستقل صحت گزارش‌های مالی مدیریت به سهامداران را تأیید و هرگونه موارد مغایر و انحراف از اصول پذیرفته شده حسابداری (GAAP) را گزارش می‌کردند. سعی آنها بر این بود تا گزارش‌های حسابرسی خود را بر مبنای اصول و روش‌های شناخته شده حسابرسی یا استانداردهای پذیرفته شده حسابرسی (GAAP) تنظیم کنند. در واقع کمیسیون بورس و اوراق بهادار این امتیاز را به حسابداری عمومی داده است تا به هریک از شرکت‌های عام از سوی عموم سرمایه‌گذاران خدمات ارائه کند.

نقش هیئت مدیره‌ها

سهامداران از ابتدا به محدودیت‌هایی پی بردند که در ساختار شرکت‌ها وجود داشت و اغلب به این سبب، نمایندگانی را برای دفاع از منافع خود منصوب می‌کردند. بعدها این نمایندگان هیئت مدیره شرکت سهامی را تشکیل دادند که مسئولیت آن برگزاری نشست‌هایی با مدیران شرکت به منظور نظارت بر کار آنان و نیز حمایت از منافع مالکان بود. این گروه در ادامه فعالیت‌های خود، به فراخور شرایط جدید پیش آمده، کمیته‌های تخصصی را برای نظارت دقیق‌تر تشکیل می‌دادند. در این میان، کمیته‌ای بنام کمیته حسابرسی به عنوان واسطه‌ای میان حسابرس مستقل و مدیریت شکل گرفت. کمیته حسابرسی متشکل از افرادی غیر از سهامداران شرکت، به عنوان رابط میان حسابرسان مستقل و حسابرسان داخلی، در واقع وظیفه ارتقای کیفیت و صداقت گزارش‌های مالی مدیریت را برعهده دارند.

همچنین هیئت مدیره باید مطمئن می‌شد تا مدیران پاداش مناسبی برای عملکرد خود دریافت می‌کنند. بسیاری از هیئت مدیره‌ها، کمیته‌های ویژه‌ای را بنام کمیته تشویق تشکیل دادند تا به وسیله آن طرح‌هایی را برای تشویق هرچه بیشتر مدیران در جهت حداکثرسازی ثروت سرمایه‌گذاران به اجرا درآورند.

استانداردهای حسابرسی و اصول حسابداری در قرن بیستم، حسابرسی مورد توجه واقع شد و به پیشرفت‌هایی دست یافت با این وجود، با مشکلات بسیاری دست و پنجه نرم می‌کرد. هرچند وقت یکبار با انتشار گسترده اخبار مربوط به فساد و سوء استفاده مدیران، ضعف استانداردهای حسابرسی بیش از پیش آشکار می‌شد. برای مقابله با چنین مشکلاتی استانداردهای حسابرسی حرفه‌ای اصلاح شد و حسابداران حرفه‌ای جایگاه ویژه‌ای را در جوامع اقتصادی به خود اختصاص دادند.

وضعیت استانداردهای حسابداری نیز دچار فراز و نشیب‌های بسیار و تغییرات گسترده در هیات‌های تدوین‌کننده آن شد. با تأیید کمیسیون بورس و اوراق بهادار، انجمن حسابداران رسمی آمریکا کمیته رویه‌های حسابداری (CAP) را در ۱۹۳۹ تشکیل داد تا تثبیت اصول حسابداری را به عهده بگیرد. در سال ۱۹۵۹، کمیته اصول حسابداری (APB) وابسته به انجمن حسابداران رسمی آمریکا، جایگزین کمیته رویه‌های حسابداری (CAP) گردید. سپس به دلیل انتقادات روزافزون مبنی بر وجود مسئولیت دوگانه انجمن حسابداران رسمی آمریکا بر قوانین حسابداری و استانداردهای حسابرسی، کمیته اصول حسابداری (APB) منحل شد. در سال ۱۹۷۳ سازمانی با عنوان هیئت استانداردهای حسابداری مالی (FASB) تاسیس شد. مأموریت این هیات، وضع استانداردهایی بود که سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان را در اتخاذ بهترین تصمیم در فعالیت‌های خود، یاری کند. گزارش‌های ارائه شده بر مبنای استانداردهای پذیرفته شده ایالات متحده و بورس، در بیست و پنج سال آخر قرن بیستم به پیشرفت چشمگیری رسیده بودند.

منشاء تردیدها درباره کیفیت حسابداری

به‌رغم پیشرفت‌های بدون وقفه و بهبود شرایط حاصل در طی سی سال بعد از جنگ جهانی دوم در استانداردهای پذیرفته شده حسابداری و حسابرسی، با این حال دور تازه‌ای از رسوایی‌های بزرگ اقتصادی ظهور کرد و اغلب در مواجهه با این مسائل ناتوانی حسابداری و حسابرسی زیر سوال برده می‌شد. در اواخر دهه ۱۹۷۰، موج انتقادات

به حسابداری و حسابرسی حاکی از آن بود که این دو نمی‌توانند نیازهای سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان را پاسخگو باشند. تحقیقات انجام شده که توسط (Metcalf, Moss) دو تن از اعضای مجلس سنا، حرفه حسابداری عمومی را به دلیل عدم استقلال آن از مدیران شرکت‌ها زیر سوال برد. یکی از موارد مطرح شده که به عنوان عامل نابسامانی، نقش دوگانه‌ای بود که موسسات حسابرسی ایفا می‌کردند. (طبق گزارش کمیته فرعی سنا و کمیته فرعی تحقیق و بررسی مجلس نمایندگان ایالات متحده در سال ۱۹۷۶)، این مساله باعث بوجود آمدن نگرانی‌هایی در مورد کیفیت و صداقت فرآیند گزارش‌دهی مالی شد. لازم به ذکر است که جامعه حسابداری علمی، با تحقیق در این موارد و تعیین مشکلات موجود، راه حل‌هایی را ارائه و پیشنهاد کرد. با این حال موسسات حسابرسی به‌رغم تحمل انتقاد کنگره به فعالیت خود ادامه دادند و به تدریج با تحلیل منافع راهبردی خود به این نتیجه رسیدند که از طریق افزایش خدمات مشاوره‌ای به سودهای کلانی دست خواهند یافت.

در این دوره، اصول پذیرفته شده حسابداری نیز به دلیل ناتوانی در تامین اطلاعات مناسب و مطمئن در زمان افزایش بی‌سابقه قیمت‌ها مورد انتقاد قرار گرفت. نرخ تورم دورقمی، کمیسیون بورس اوراق بهادار و چندی بعد از آن هیات استانداردهای حسابداری مالی را برآن داشت تا برای مواجهه با محدودیت‌های اصل بهای تمام شده تاریخی، الزامات گزارشی جدیدی را منتشر کنند. هر چند، در دهه ۱۹۷۰ با کاهش تورم، شرکت‌های با نفوذ موفق به حذف این الزامات گزارشی شدند.

در دهه ۱۹۷۰ در پی ادغام شرکت‌ها و یا خرید آنها توسط شرکت‌های بزرگتر، موسسات حسابرسی بزرگ برای حفظ پایگاه خود در میان صاحبکاران خود دست به اقدامات تازه‌ای زدند. همان‌طور که صاحبکاران آنها فعالیت‌های بین‌المللی خود را گسترش دادند و با شرکت‌های خارجی ادغام شدند، موسسه‌های حسابرسی بزرگ نیز برای حفظ موقعیت خود نیازمند توسعه روزافزون در حوزه بین‌الملل بودند. این موضوع ادغام آنها را با موسسات حسابرسی خارجی در پی داشت. ادغام موسسات حسابرسی محدود به ترکیب آنها با

همتایان خارجی آنها نشد. در ایالات متحده، تلفیق موسسه‌های حسابرسی به صورت برنامه‌ریزی شده انجام می‌گرفت. این موسسات تلاش می‌کردند تا فهرست کاملی از خدمات مشاوره‌ای را در هر زمینه‌ای فراهم کنند و از این طریق قدرت و برتری فنی خود را به نمایش بگذارند. تشویق و پرداخت جایزه از سوی موسسات حسابرسی بزرگ، اقدام دیگری بود در جهت افزایش صاحبکاران و ارتقای توانایی شرکاء نسبت به جذب بنگاه‌های اقتصادی جدید. برای نیل به این هدف، هشت موسسه بزرگ حسابرسی نه تنها به خرید موسسه‌های کوچکتر بلکه به ادغام با یکسایگر دست زدند. براین اساس Ernst & whinney با Haskins & Arthur Young و Touche Ross & co با Price Waterhouse و Big8 نیز تبدیل به Big5 شد. مانند هر شرکت دیگری که از طریق ادغام به طور قابل ملاحظه و سریعی رشد می‌یابد، موسسات بزرگ حسابرسی نیز جهت حفظ کیفیت بالا در خدمات خود، بویژه در طول دورانی که فشار بر آنها برای کاهش بهای تمام شده خدمات افزایش یافته بود، رو به ادغام با موسسات مختلف در سرتاسر دنیا آورده‌اند.

کالایی بنام حسابرسی

همراه با رشد و ادغام موسسات حسابرسی، آنها برای بدست آوردن صاحبکاران جدید، رفتار راهبردی و هزینه‌سنجی‌های دقیق‌تری را پیش گرفتند. در اواسط دهه ۱۹۷۰ در پاسخ به فشارهای کمیسیون تجارت دولت مرکزی، قوانین انجمن حسابداران رسمی ایران تغییر کرده و اجازه تبلیغات به موسسات مستقل حسابرسی داده شد. خیلی زود رقابت آزاد و سلطه‌جویانه برای کسب بازار حسابرسی به ویژگی جدید حرفه حسابرسی بدل شد. در این حرفه نیز، به مانند دیگر صنایع رقابتی، قیمت عنصر تعیین‌کننده‌ای برای شکست یا پیروزی محسوب می‌شد. بنابراین موسسات سعی داشتند تا خدمات حسابرسی ارزان‌تری را ارائه دهند که این خود باعث افزایش صاحبکاران و در نتیجه افزایش سود می‌شد.

موسسات حسابرسی سعی داشتند تا به هر نحوی هزینه فعالیت‌های خود را کاهش دهند. یکی از این

اقدامات به کارگیری فارغ التحصیلان تازه کار بود که خصوصاً در اواخر دهه ۱۹۷۰ در مقایسه با دهه‌های پیشین، اقدامی غیرعادی به شمار می‌رفت. در دهه ۱۹۹۰ بسیاری از موسسات دانشجویانی را به خدمت گرفتند که حتی تحصیلات حسابداری نداشتند و برای کسب آمادگی لازم آنها را تحت برنامه‌های آموزشی زیر نظر دانشگاه‌های معتبر قرار می‌دادند. موسسات حسابرسی تلاش می‌کردند تا با افزایش بازده ساعات مورد نیاز فرآیند حسابرسی، در فضای رقابتی بوجود آمده بیشترین سهم از درخواست‌های حسابرسی را به خود اختصاص دهند. حتی موسسات حسابرسی به سراغ حسابرسی داخلی نیز رفتند و با فراهم کردن هرگونه خدمات حسابرسی، توانستند هزینه‌نهایی حسابرسی صاحبکاران خود را کاهش دهند. در اواخر دهه ۱۹۸۰ موسسات حسابرسی، به لطف امتیاز چهل از قانون مصوب ۱۹۳۰، حرفه حسابرسی را مانند سایر کالاهای در معرض تبلیغات تجاری قرار دادند. فشارهای مداوم برای کاهش هزینه‌های حسابرسی، به همان نسبت باعث شد که حقوق حسابرسان و در نتیجه کیفیت کار آنها کاهش یابد. همچنین بررسی غیراصولی جزئیات و تکیه بیش از اندازه بر روش‌های بررسی تحلیلی از جمله عواملی بودند که در کاهش کیفیت حسابرسی نقش داشتند. در زمان رونق بازار اثرات منفی کاهش در کیفیت حسابرسی، زیاد خود را نشان نمی‌داد ولی پس از دوران رونق مشکلات ناشی از حسابرسی غیر اصولی یکی پس از دیگری ظاهر می‌شدند.

حال: نظارت، گزارش دهی مالی و تشویق مدیران امروزه این‌طور به نظر می‌رسد که در مورد وضعیت گزارش‌دهی هیئت مدیره‌ها، مدیران، حسابرسان و واضعان استانداردهای حسابداری در تلاش‌اند تا فرمی از گزارش‌دهی مالی را تهیه کنند که از لحاظ دقت و صداقت بی‌نظیر باشد. سال‌ها است که اصول پذیرفته شده ایالات متحده مبنای کار سایر کشورها قرار گرفته است. صراحت و شفافیت صورت‌های مالی ایالات متحده ناشی از وجود الزامات گزارشگری، مناسب، بهنگام و الزامات شناخت و افشاء در اصول پذیرفته شده حسابداری است. رئیس کمیسیون بورس و اوراق بهادار ایالات متحده از هم‌تایان خود در سایر کشورها (اعضای IOSCO) خواست تا با

پیوستن به اصل پذیرفته شده ایالات متحده، در راستای ایجاد بورس منظم و کاهش هزینه سرمایه‌گذاری برای سهامداران و داوطلبان سرمایه‌گذاری، گام بردارند.

در فضای گزارش‌دهی مالی در ایالات متحده، از طریق اعطای پاداش‌های فزاینده به مدیران، آنها را به خوبی برای مدیریت درآمدها و به تأخیر انداختن یا کتمان اخبار نگران‌کننده تربیت کرده‌اند. خوب یا بد، اکثر طرح‌های پاداش تقدی، اختیار خرید سهام و واگذاری سهام به عنوان پاداش برای مدیران، بر پایه نتایج حسابداری استواراند. (Bloedorn & Chingos; Ittner & Rajan 1997) در واقع این موضوع صورت‌های مالی را به کانون توجه راهبردهای مدیران در جهت حداکثرسازی ثروت آنها بدل کرده است. بنابراین فرآیند گزارش‌دهی مالی علاوه بر ارائه گزارش‌هایی از عملکرد شرکت برای استفاده سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان تهیه شده بر مبنای استانداردهای پذیرفته شده حسابداری و استانداردهای حسابرسی، موقعیت مالی مدیران و اعضای هیئت مدیره را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد.

در چنین فضایی، انگیزه برای یک بازی راهبردی رشد پیدا می‌شود. بازی از این قرار است که مدیران سعی می‌کنند تا فعالیت‌های انجام شده در جهت افزایش ثروت خود را از دیگران پوشیده نگه دارند یا با تقلب و دستکاری در گزارش‌های مالی، شکست‌های مدیریتی خود را کتمان و از این طریق، مانع از افشای اخبار نگران‌کننده شوند و در صورت برخورد با مشکلی در تداوم چنین عملکرد فریب‌کارانه‌ای، به راحتی می‌توانند استعداد خلاق مشاوران مالی را به خدمت بگیرند. نقش بسیاری از این نوابغ اقتصادی (که عموماً از گروه مشاورین موسسات حسابرسی انتخاب می‌شوند) به کارگیری ترفندهای مالی است که مدیران را در تظاهر به عملکردی فراتر از انتظار سهامداران یاری می‌کند.

شناسایی مشکلات

با مطالعه نشریات رایج چاپ شده از ابتدای قرن حاضر، این سؤال در ذهن ایجاد می‌شود که چگونه ممکن است با وجود سیستم نظارتی، شفافیت الزامات گزارشگری و با توجه به پیشرفت‌های چشمگیر فناوری

نمایند؟ این حقیقتی است که امروزه در نظارت بر عملکرد شرکت‌های سهامی ایالات متحده با آن مواجه هستند که خود باعث بروز اشکالات بزرگی در سیستم نظارت و سنجش می‌گردد.

تقلب، اشتباهات و بیان مجدد نتایج مالی اخیراً مسأله‌ای که سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان بیش از پیش با آن مواجه می‌شوند، بروز مشکلاتی است که به نظر می‌رسد در نتیجه فقدان نظارت حسابرسان یا کمیته‌های حسابرسی اتفاق افتاده است. این اشکالات شامل تقلب و اشتباهات بزرگ، ارائه نادرست، از قلم انداختن اقلام با اهمیت، ارائه مجدد درآمد سال‌های قبل در نتیجه اشتباه یا بی‌توجهی می‌باشد. همچنین این موارد ممکن است ناشی از روش‌های حسابداری تحمیلی باشد که شرکت بنا به درخواست کمیسیون بورس و اوراق بهادار یا نمایندگان سهامداران آن را به کار برده است. نمونه چنین اشکالاتی در World Com، AOL Time Warner، IBM، Tyco، Enron، Xerox، Computer Associates و بسیاری از شرکت‌های دیگر یافت می‌شود. شکست‌های حسابرسی یکی از بزرگ‌ترین موسسات حسابرسی را به ورطه سقوط کشانده و یقیناً این روند ادامه خواهد داشت. چه راهی را باید برای بهبود فرآیند نظارت بویژه بر حسابداری و حسابرسی پیش گرفت؟ کمیسیون بورس اوراق بهادار، انجمن حسابداران رسی آمریکا و بازارهای بورس اوراق بهادار گروه‌هایی هستند که می‌توانند در بهبود این شرایط و آغاز تغییرات اساسی پیش قدم شوند.

آینده: تغییرات پیشنهادی برای هیئت مدیره بورس ایالات متحده همواره به عنوان بزرگترین، پیچیده‌ترین و نقدپذیرترین بازارها در دنیا مطرح بوده‌اند. عملکرد کمیسیون بورس و اوراق بهادار در کسب این اعتبار و نیز پیشرفت‌های تاریخی حاصل در فرآیند نظارت، شایسته تقدیر است. هرچند تغییرات به وجود آمده پیش از مسایل مربوط به شرکت انرون در جهت تقویت استقلال و آگاهی کمیته‌های حسابرسی شرکت‌ها، توسط خود بورس‌ها پایه‌گذاری شده بود. حال این سؤال مطرح است که آیا کمیسیون بورس و اوراق بهادار از تمام ظرفیت‌های

حسابرسی، از سال‌های دور تاکنون، چنین بحران‌های سختی گریبان‌گیر شرکت‌های سهامی می‌باشد.

ابتدا به این موضوع می‌پردازیم که عملاً سهامداران هیچ سهمی در انتصاب اعضای هیئت مدیره ندارند. ممکن است آنها با رأی سهامداران به این سمت برسند اما این در حالی است که بر روی برگه‌های رای امکان هیچگونه انتخابی برای سهامداران ارائه نشده است. داوطلبان عضویت در هیئت مدیره چگونه نام خود را بر روی برگه‌های رای ثبت می‌کنند؟ باید پذیرفت که مدیران ارشد اجرایی نقش تعیین‌کننده‌ای را در مورد اعضای هیئت مدیره ایفا می‌کند. خیلی عجیب نیست که رئیس هیئت مدیره مدیر عامل فعلی و یا اسبق شرکت، تاثیرگذارترین فرد در پیشنهاد اعضای جدید هیئت مدیره باشد و همچنین یک دستور کار تمام مسائلی را تحت کنترل داشته باشد که در جلسات مطرح می‌شود. اعمال نفوذ مدیران ارشد در ترکیب هیئت مدیره، نظارت موثر بر عملکرد شرکت را دچار مشکل می‌کند. اگر قرار است که هیئت مدیره به نمایندگی از سهامداران بر کار مدیریت نظارت کند، پس قرار گرفتن مدیر در چنین جایگاه حساسی از هیئت مدیره چه مفهومی خواهد داشت؟ و اینکه چرا مدیران ارشد اجرائی، افرادی را نامزد عضویت در گروهی می‌کنند که باید ناظر به کار خود او باشد.

اعطای اختیارات و پاداش برای جلوگیری از کتمان اخبار نگران‌کننده

از جمله اشکالات وارد به استقلال هیئت مدیره، اعطای طرح اختیار خرید سهام است. این اختیار خرید در آنها انگیزه‌ای ایجاد می‌کند تا افول در فعالیت‌های شرکت را پوشانند. اگر مدیریت بتواند تا بهتر شدن شرایط راهی برای کتمان یا به تعویق انداختن گزارش شکست‌ها تا زمان بهبود پیدا کند، آنگاه این اختیارات ممکن است ارزش خود را از دست دهند. این اختیارات چه انگیزه‌هایی را می‌تواند در اعضای هیئت مدیره بوجود آورد؟ اعضای هیئت مدیره چگونه می‌توانند با در دست داشتن اختیار خرید سهامی که امکان دارد با افشای اخبار نگران‌کننده ارزش خود را از دست دهند، می‌تواند هیات مدیره را به صراحت، شفافیت و افشاگری و گزارش‌گری مالی کامل تشویق

● الزام کلیه اعضای هیئت مدیره به گذراندن دوره‌های مستمر آموزشی که شامل سالانه سی ساعت برنامه آموزشی است و هزینه آن از جانب شرکت تامین می‌شود. در ضمن محتوای دوره‌ها از منابع معتبر آموزشی استخراج شده باشد.

اگر کمیسیون بورس و اوراق بهادار نتواند موارد پیشنهادی بالا را عملی کند، بورس خود باید این وظیفه را برعهده گیرد. برای تحقق این پیشنهاد در جهت تقویت استقلال و شایستگی اعضای هیئت مدیره به عنوان حامیان حقوق سهامداران، راه طولانی در پیش است. هرگاه ضرورت ایجاد کند، مدیران شرکت باید برای ارائه گزارش به هیئت مدیره فرا خوانده شوند. لیکن ضرورتی ندارد که مدیران ریاست جلسات و کنترل تنظیم دستور کار جلسات هیئت مدیره یا خط‌دهی در خصوص نامزدهای هیئت جدید را برعهده بگیرند. این‌ها اموری هستند که مدیران مستقل برون‌سازمانی، وظیفه انجام آنها را برعهده دارند.

الزام اعضای هیئت مدیره به گذراندن دوره‌های منظم آموزشی به آنها کمک می‌کند تا با تغییرات روزافزون در دنیای تجارت همگام شوند. هم‌اکنون در عصر انقلاب اطلاعات به سر می‌بریم، بطوری که عملکرد بهینه در تجارت منوط به تغییرات مداوم و پیوسته است اما آن دسته از مدیران ارشدی که وقتی را برای همگام شدن با پیشرفت‌های علوم مالیه، گزارش‌دهی مالی، نظارت و روش‌های گوناگون آماری در صنعت و اقتصاد اختصاص می‌دهند بسیار اندک هستند. به عنوان نمونه، به نظر شما چند نفر از اعضای هیئت مدیره شرکت‌ها، امروزه با الزامات مربوط به اوراق بهادار مشتقه آشنا و هماهنگ هستند؟ شواهد موجود مبنی بر ضعف فعالان تجاری نسبت به دنباله روی از الزامات شناخت و الزامات افشاء، برای به زیر سؤال بردن درک آنهایی کافی است که مسئولیت نظارت دارند.

این تغییرات باعث افزایش توانایی هیئت مدیره شرکت‌ها در جهت اداره امور به نفع سهامداران خواهد شد. این تحولات در صورت انجام، دو مورد از موارد نظارتی را حل خواهند کرد که تاکنون موفق به رفع آنها نشده‌ایم. یکی اینکه مدیریت نفوذ بیش از اندازه‌ای در

خود در جهت رفع مشکلات بهره برده است؟ آیا این کمیسیون این توان را دارد که به مدد سیستم گزارش‌دهی مالی دقیق و کارآمد و احکام نظارتی مرتبط، بیشترین تاثیرگذاری را در حل مشکلات کنونی اعمال کند.

در دفاع از کمیسیون بورس و اوراق بهادار شاید بتوان گفت که بخش اجرایی این نهاد با مشکل کمبود بودجه و نیروی انسانی مواجه بوده است. با این حال روشن نیست که آیا کمیسیون بورس و اوراق بهادار تمام اختیاراتی را کسب کرده است که می‌توانسته به عنوان مسئول اصلی برای اجرای مقررات اوراق بهادار و نظارت بر گزارش‌های مالی داشته باشد؟ به‌رغم اینکه کمیسیون بورس و اوراق بهادار از فقدان اطمینان کافی در بورس نسبت به نظارت بر گزارش‌های مالی مطلع بود، در عین حال آنها با نشان دادن ناتوانی خود در انتصاب به موقع اعضای "هیئت نظارت بر حسابداری عمومی" شکست سنگینی را متحمل شدند. در این جریان، رئیس کمیسیون بورس و اوراق بهادار، پیت هاروی از سمت خود استعفا کرد و معلوم شد که بسیاری از نامزدهای عضویت در هیئت، در گذشته و حتی پس از اعلام نام خود برای نامزدی، دارای مواردی از سوء سابقه بوده‌اند. انتظار می‌رود اگر سایر جنبه‌های قانون ساربینز-اکسلی مصوب سال ۲۰۰۲ که در جهت ایجاد جو اطمینان در بازارهای رقابتی موثر واقع نشود، این اقدامات دولت در رفع مشکلات بنیادی موجود در نظارت، حسابرسی و حسابداری، با شکست روبرو خواهند شد.

اقدامات پیشنهادی

کمیسیون بورس و اوراق بهادار باید هر چه زودتر هدایت اصلاحات مورد نیاز در سیستم نظارت را به دست بگیرد. اما با چه اقداماتی؟ پیشنهاد می‌شود که این کمیسیون تحولات اساسی زیادی، از جمله موارد زیر را مد نظر قرار دهد:

● از قرار گرفتن مدیر عامل یا هر کدام از مدیران ارشد فعلی یا اسبق شرکت در مقام ریاست هیئت مدیره، در زمره نامزدهای عضویت در هیئت مدیره و مسئول تنظیم دستورکار و صورت جلسات ممانعت به عمل آورد.

● جلوگیری از اعطای اختیار خرید سهام برای آن دسته از اعضای هیئت مدیره که جزء کارمندان شرکت نمی‌باشند.

ترکیب و روابط حاکم بر هیئت‌های مدیره دارد؛ و دیگری، اعضای هیئت مدیره از استقلال و شایستگی لازم برای ممانعت مدیران از رفتارهای سودجویانه به ضرر سهامداران، برخوردار نیستند. باید اقدامات بیشتری در جهت اعطای اختیار به هیئت مدیره در جهت انجام مسئولیت آنها به عنوان حامیان قدرتمند و مطلع سهامداران صورت پذیرد.

پیشنهادهایی در مورد موسسات حسابرسان مستقل

حرفه حسابرسی چه اقداماتی را برای افزایش استقلال موسسات حسابرسی می‌تواند انجام دهد؟ عوامل متعددی در سر راه تامین استقلال حسابرسی وجود دارند که باید شناسایی و رفع شوند. همچنین برخی مواردی که این استقلال را مختل می‌کند، کیفیت کار حسابرسی را نیز پایین می‌آورند. مواردی که امروزه باعث اختلال در حوزه حسابرسی می‌شوند به قرار زیر هستند:

- حسابرسان به رسیدگی افرادی می‌پردازند که سابقاً خود حسابرس بوده‌اند و اکنون مدیر یا عضو هیئت مدیره شرکت طرف قرارداد محسوب می‌شوند.
- نگرانی از دست دادن منافع در ازای ارائه خدمات به شرکت‌های طرف قرارداد، به جهت تأیید نکردن صورت‌های مالی ارائه شده توسط مدیریت.
- کمبود دانش و مهارت‌های حسابرسی، آموزش و نظارت کافی به دلیل دغدغه موسسات حسابرسی بابت کاهش قیمت خدمات.

حسابرسان در هنگام کار، خود را دوش به دوش مدیران شرکتی می‌بینند که به حسابرسی آن می‌پردازند. آنها باید از طرفی مدیران را به عنوان مشتریان خود بابت ارائه خدمات غیر حسابرسی در نظر گرفته و از سوی دیگر آنها را به عنوان کانون رسیدگی‌ها و مسئولیت نظارت خود در حوزه خدمات "مستقل" حسابرسی در نظر داشته باشند. برخی اوقات تشخیص این کار مشکل است که خدمات به مدیریت یا به شرکت ارائه می‌شود، حسابرسان خود را در شرایطی می‌یابند که باید به حسابرسی شرکتی پردازند که مدیر آن، خود زمانی از همکاران او بوده و حتی شاید پیشنهاد حسابرسی از جانب همان مدیر به شرکت حسابرسی ارائه شده است! این مساله نباید مانع

حسابرسی مستقل حسابرسان از فعالیت شرکت شود، یا اینکه در فرآیند حسابرسی، مدیران شرکت طرف قرارداد را نیز به عنوان "مشتری" در نظر بگیرند. حسابرسی در مورد شرکت‌های سهامی، موقعی معنا پیدا می‌کند که عملکرد حسابرسان کاملاً مستقل از مدیریت اعمال شود. حسابرسان از سوی شرکت‌هایی که در زمانی خدمات حسابرسی داخلی و خدمات مشاوره‌ای از موسسات حسابرسی دریافت می‌کرده‌اند، فشار زیادی را برای راضی نگه داشتن مدیران تحمل می‌کنند. هنگام بروز عملکردهای مبهم حسابداری که به منظور سرپوش گذاشتن به کاستی‌ها و یا سایر مفاصل، اتفاق می‌افتد، حسابرسان در مورد تأیید آنها با فشارهای زیادی مواجه بودند مگر اینکه نقض آشکار قوانین استانداردهای پذیرفته شده حسابداری روی داده باشد. در این موقعیت‌ها، حسابرسان سعی می‌کنند تا تخلفات حسابداری را تا جایی که به نقض قوانین اصول پذیرفته شده حسابداری منجر نگردد، به نفع مدیران نادیده بگیرند. در اغلب موارد نگرانی از دست دادن صاحب‌کار باعث می‌شود تا حسابرسان قضاوت حرفه‌ای مناسبی را اعمال نکنند.

پیشنهادهایی برای افزایش استقلال حسابرس

چه کارهایی را می‌توان به منظور افزایش استقلال حسابرس انجام داد؟ به رغم وجود بندهایی در قانون سارینز - اکسلی با هدف تامین استقلال حسابرسان، متأسفانه در عمل شاهد تأثیر چندان آن نیستیم. علاوه بر تاکید به گردش نوبتی هیئت نظارت در این قانون، گردش شامل کمیته حسابرسی و خدمات غیرحسابرسی نیز می‌گردد. تغییر در مدت گردش اعضای کمیته حسابرسی از هفت سال به پنج سال پیشرفت ناچیزی است که باز هم ممکن است در روند حسابرسی تأثیر چشمگیری نداشته باشد. برای احراز قانون هفت ساله شریک حسابرسی مسئول باید در پایان سال هفتم از گروه خارج می‌شد، و در سال هشتم دوباره به عضویت گروه درمی‌آمد. این قانون جدید شامل محدودیت‌های ضعیفی نیز برای خدمات غیرحسابرسی می‌باشد. حتی پیش از تصویب قانون، بسیاری از موسسات حسابرسی بزرگ، پیش‌بینی

درآمدهای کلانی را از ارائه خدمات مشاوره‌ای خود کرده بودند. اگر چه تصویب قانون نیز مانع از فعالیت‌های مشاوره‌ای آنان نشد. اما شواهد جدید حاکی از آن است که موسسات حسابرسی بزرگ در تلاش‌اند تا سود حاصل از خدمات مشاوره‌ای را به درجه‌ای حتی بیشتر از سود ناشی از حسابرسی برسانند.

راه حلی که برای مشکلات مربوط به استقلال حسابرسان پیشنهاد می‌شود، گردش اجباری موسسات حسابرسی است. گردش هر سه سال یکبار موسسات حسابرسی می‌تواند تنها تغییر موثر در افزایش استقلال باشد. این تغییر می‌تواند این احتمال را کاهش دهد که حسابرس به حسابرسی مدیری پردازد که سابقاً از همکاران او بوده است. همچنین می‌تواند نگرانی حسابرسان را برای از دست دادن صاحب‌کاران کاهش داده و موجب استقلال خدمات غیرحسابرسی از خدمات حسابرسی گردد. خدمات مشاوره‌ای و مالیاتی به عهده شرکت‌هایی گذاشته می‌شوند که بیشترین توانایی را دارند، نه صرفاً موسساتی که در حال حاضر در مقام حسابرس فعالیت می‌کنند. گردش حسابرسان، پیشنهادی است که از قبل هم مطرح بوده و امروزه نیز توسط دیوان محاسبات آمریکا به کار گرفته شده است. گروه‌های مختلفی همچون کمیسیون بورس و اوراق بهادار و بورس مستقل می‌توانند ضمانت اجرای چنین مقرراتی را تامین کنند. به هر حال، برای حرفه حسابداری بهتر است که، انجمن حسابداران رسمی آمریکا، خود امور را بدست گرفته و این الزامات را برای حسابرسی تمام پذیره‌نویسان نزد کمیسیون بورس و اوراق بهادار اجرا کند.

گردش و دغدغه‌های مربوط به بهای تمام شده خدمات با مطرح شدن موضوع گردش حسابرسان، آنان همواره بروز مشکلاتی را از قبیل افزایش هزینه‌ها به دلیل عدم آشنایی با نوع تجارت صاحب‌کاران ذکر می‌کنند. قبول این دلیل به عنوان توجیه کافی برای رد گردش اجباری حسابرسان مشکل است. اگر هزینه افزایش پیدا کرده، ممکن است به دلیل افزایش اختیاری میزان رسیدگی و کیفیت کار حسابرسان باشد که برای این موارد به خدمت گرفته شده‌اند. این دو تغییر، کمبودهایی را در حسابرسی

نشان می‌دهد که کمیسیون بورس و اوراق بهادار در طی اقدامات اجرایی آن تاکید کرده است. جبران هرگونه افزایش در هزینه‌های حسابرسی متوجه سهامداران خواهد بود، اما اگر بدانند که در واقع نظر مستقلی بر صورت‌های مالی ارائه شده توسط مدیریت اعمال می‌کنند، با کمال میل این هزینه را پرداخت می‌کنند.

گردش حسابرسان می‌تواند اثر مثبتی بر حل مشکل رقابت بر سر کسب صاحب‌کاران حسابرسی داشته باشد. در طی دو دهه گذشته، شاهد رشد موسساتی بوده‌ایم که برای دستیابی به مشتریان حسابرسی جدید سعی در تضعیف رقبای خود داشته‌اند. به رغم تاثیر منفی این کار بر کیفیت و بازده خدمات حسابرسی، منافع و سود موسسات حسابرسی رشد چشمگیری کرد. قاعداً الزام در گردش سه سال یکبار حسابرسان معضلاتی همچون تضعیف موسسات توسط یکدیگر را کاهش خواهد داد. موسسات مستقل حسابرسی نمی‌توانند این ریسک را بپذیرند که رسیدگی‌ها را آنقدر پایین قیمت‌گذاری کنند که دیگر سودآور نباشند.

گردش و مشکلات حسابرسی سال اول

یکی از اشکالات عمده به گردش حسابرسان، افزایش احتمال عدم موفقیت حسابرسی در طول سال اول شروع به کار است. هرچند همه شواهد ارائه شده مبنی بر عدم موفقیت در سال اول، در فضای عاری از گردش اجباری جمع‌آوری شده‌اند. ناکامی‌های سال اول ممکن است به خاطر آموزش ناکافی کارکنان حسابرسی یا به دلیل ارائه قیمت پایین برای کار جدید یا هر دلیل دیگری باشد که به نحوی کیفیت حسابرسی را تحت تاثیر قرار داده است این آثار متضاد بالقوه امکان تشریح آنچه را از بین می‌برد که بر اثر گردش اجباری رخ داده است.

یک پرسش مناسب ممکن است این باشد که آیا موسسه حسابرسی می‌تواند فرآیند حسابرسی با کیفیت و کم مخاطره را برای سال اول فعالیت خود طراحی و اجرا کند؟ با ورود فناوری‌های مختلف و صنعت بیمه به حرفه حسابرسی، آموزش افراد تازه وارد به این حرفه و راهنمایی‌های استانداردهای پذیرفته شده حسابرسی تلاش‌ها برای اجرای فرآیند حسابرسی با کیفیت

گزارش‌دهی مالی را بهبود بخشد.

گردش و قضاوت حرفه‌ای

گردش می‌تواند انگیزه حساب‌رسان مستقل نسبت به مقاومت در برابر اختلاف نظرات حسابداری آنها با مدیران شرکت را بیشتر کند. در حال حاضر، حداقل بواسطه دو دلیل حساب‌رسان مایل به تحمیل اصلاحات (تعدیلات) حسابداری در مورد گزارش‌های مدیران شرکت‌های طرف قرارداد خود نیستند:

● ترس از دست دادن موقعیت خود.

● نبود قانون حسابداری صریح که مدیران را وادار به تغییر رویه حسابداری خود کند.

گردش حساب‌رسان باید آثار موارد فوق را کاهش دهد.

با اجرای سیستم گردش، حساب‌رسان مستقل انگیزه بیشتری برای عملکرد مستقل و الزام مدیران به اصلاح گزارش‌های مالی پیدا می‌کند که در نتیجه عدم رعایت استانداردهای حسابداری تنظیم شده‌اند. هنگامی که حساب‌رسان بداند بعد از او، شخصی دیگر از موسسه حسابداری در مورد صحت گزارش‌های او گزارش جداگانه‌ای تنظیم خواهد کرد، در کار خود دقت بیشتری می‌کند. علاوه بر این، حساب‌رسان مستقل تمایل بیشتری دارند تا از قضاوت حرفه‌ای خود، حتی بدون وجود قوانین صریح جهت رد رویه‌ای مدیریت، استفاده کنند.

اصول پذیرفته شده حسابداری و قضاوت حرفه‌ای

برخی پیشنهاد می‌کنند، می‌توان برای رفع نگرانی در مورد کیفیت حسابداری، از طریق اعمال اصلاحات ساده در استانداردهای حسابداری اقدام کرد که برای حساب‌رسان نیز عملی‌تر باشد. نشریات رایج در ایالات متحده و خارج از آن، این پرسش را مطرح می‌کنند که چرا ما به بررسی تعدادی از مشکلات مربوط به حسابداری در سایر کشورها نمی‌پردازیم؟ آنها بر این عقیده‌اند که حسابداری در همه جا به یک شکل است ولی قوانین متفاوت‌اند. بنابراین قوانین حسابداری باید تغییر کنند.

در این مورد، به هیچ وجه درست نیست که مشکلات حسابداری ایالات متحده را به کاستی‌هایی در اصول پذیرفته شده ایالات متحده نسبت دهیم. اصول

موفقیت‌آمیزتر خواهد بود. با افزایش فزاینده قیمت حسابداری، این سوال قابل طرح است که سهامداران برای انجام حسابداری با کیفیت و مستقل تا چه میزان مایل‌اند هزینه کنند؟ وقتی شما بطور واقع‌گرایانه‌ای تمام هزینه‌های معمول مربوط به مدیریت و نظارت را در شرکت سهامی عام در نظر می‌گیرید، مشکل می‌توان تصور کرد که سهامداران یا نمایندگان مستقل آنها در مورد هزینه‌های حسابداری مستقل و با کیفیت نگرانی داشته باشند.

گردش و نظارت

اجرای گردش اجباری حساب‌رسان، منافع جانبی بسیاری را در پی خواهد داشت. فعالیت‌های هیئت اولیه عمومی نظارت (POB) شامل دفعات مشخصی از حسابداری مجدد می‌شد. موسسه حسابداری در فواصل زمانی معین، روش‌ها و رویه‌های حسابداری مورد استفاده در موسسه‌های حسابداری دیگر را مورد بررسی قرار می‌دهد. حسابداری مجدد، در واقع بازبینی کاربرگ‌های موسسه حسابداری دیگر است. بسیاری از حساب‌رسان اذعان دارند که ترس از حسابداری کاربرگ‌ها از بروز مواردی همچون اشتباه و یا سازشکاری را در آنها جلوگیری می‌کند. مگر اینکه این اشتباه ناشی از ثبت نادرست در حساب شرکت‌های طرف قرارداد باشد. قبل از مکتوب‌سازی مستندات در کاربرگ‌های حسابداری احتمال تعدیلات و دستکاری به دقت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

حالا با وجود گردش اجباری، هر حسابداری اطمینان دارد که دیر یا زود شخصی از موسسه حسابداری دیگر به حسابداری (و نه بازبینی کاربرگ‌ها) مشتریان فعلی او می‌پردازد. این مساله احتمال تمایل حساب‌رسان را نسبت به پنهان داشتن ضعف‌های موجود در دفاتر صاحبکار را کاهش خواهد داد. برای موسسه حسابداری نادیده گرفتن چیزی مشکل‌آفرین و هزینه‌بردار است که ممکن است در آینده توسط موسسه حسابداری دیگری کشف گردد. بدیهی است که انگیزه در موسسات حسابداری نسبت به کشف و گزارش اشتباهات و از قلم افتادگی‌های نادیده گرفته شده توسط دیگر موسسات بوجود خواهد آمد. اساساً گردش، می‌تواند کیفیت کلی فرآیند حسابداری و

برای رفع مشکلات فعلی برعهده دارند. انجمن حسابداران رسمی امریکا، سازمانی است که مسئولیت رهبری حسابداری حرفه‌ای را برعهده دارد. هرچند این سازمان تلاش‌های بسیاری را در جهت ایجاد و اصلاح "استانداردهای حسابرسی" و هدایت موسسات حسابرسی در موارد مربوط به حسابرسی و اعتباردهی، انجام داده است، ولی با این حال آنها نیز در راستای تقویت استقلال حسابرسان مستقل کار زیادی از پیش نبرده‌اند. از طرفی انجمن حسابداران رسمی امریکا، وظیفه دارد که در مقابل موج گسترده اعتراضات عمومی به عدم استقلال حسابرسی، راهبرد مسئولانه‌تری را اتخاذ کند. اگر این انجمن مایل به ادامه حیات در قرن بیست و یکم است، باید تلاش کند تا رضایت و اطمینان عمومی را در مورد استقلال حسابرسی کسب کند.

این مقاله سعی دارد تا حاکمیت شرکتی را در زمره مهمترین علل پایین بودن کیفیت و صداقت سیستم گزارش دهی مالی امروز مطرح کند. در راس اشکالات بیان شده توسط نشریات تخصصی و دولت به کیفیت حسابرسی، باید ابتدا به ضعف سیستم حاکمیت شرکتی اشاره داشته باشیم. همراه با رهبری مدیران کمیسیون بورس و اوراق بهادار یا بورس‌های مستقل اوراق بهادار این معضل رفع خواهد شد و اصلاح بنیادین در استقلال حسابرسی زمانی صورت می‌گیرد که انجمن حسابداران رسمی امریکا رهبری این اصلاحات را بدست گیرد.

هدف از نوشتن این مقاله، ارائه پیشنهادهایی برای رفع موانع موجود در بهبود کیفیت حسابرسی و فرآیند گزارش دهی مالی است. در این پیشنهادها تضادهای عمده وجود دارد که امید است در برانگیختن بحث‌های راهبردی در جهت ارتقای کیفیت حسابداری حسابرسی و حاکمیت شرکتی موثر واقع شود.

این مقاله ترجمه اثر زیر است:

Imhoff, Jr Eugene A. "Accounting Quality, Auditing and corporate Governance", university of Michigan business school, January 2003.

پذیرفته شده ایالات متحده حاوی جامع‌ترین الزامات گزارشی در دنیا است که در مقایسه با هر کشور دیگری باعث بوجود آوردن صریح‌ترین و شفاف‌ترین صورت‌های مالی شده است. احتمال دارد که بیشتر اشکالات گزارش‌دهی مالی کشف شده در ایالات متحده به علت شفافیت بیشتر در اصول پذیرفته شده ایالات متحده باشد. این سوال مطرح است که آیا اگر شرکت انرون شرکتی فرانسوی، آلمانی یا اسپانیایی بود، آیا مشکلات فعلی موجود در آن کشف می‌شد؟ قوانین حسابداری نیازمند پیاده‌سازی توسط مدیران و بازبینی افشای جنبه‌های مالی فعالیت اقتصادی انجام شده توسط حسابرسان است. مدیران و حسابرسانی که به نفع سهامداران خود نمی‌اندیشند، در هر شرایطی ممکن است قوانین روشن و صریح و حتی اصول حسابداری را زیر پا گذاشته و از آن تخطی کنند.

خلاصه

امروزه با مشکلات جدی در حسابداری، حسابرسی و حاکمیت شرکتی مواجه هستیم که کیفیت و صداقت گزارش‌دهی مالی را تضعیف می‌کنند. حسابداری و حسابرسی اجزای سیستم جامع‌تر حاکمیت شرکتی هستند و نمی‌توانند برای مدت طولانی بدون هیچگونه تغییر بنیادی در فرآیند کلی نظارت، ثابت باقی بمانند. ما نمی‌توانیم با نسبت دادن بحران‌های موجود در شرکت‌ها و ناتوانی‌های حسابداری به موسسات مستقل حسابرسی بزرگ، هیات استانداردهای حسابداری مالی و هیات ادلیه عمومی نظارت به سادگی از واقعیت طفره برویم. و نمی‌توان برای الزامات جدید از سوی قانون سارینز-اکسلی منتظر ماند تا کاستی‌های بدیهی خود را آشکار کند. گروه‌های مسئول باید با دلسوزی بیشتری عمل نمایند. بطور کلی کمیسیون بورس و اوراق بهادار، مقام مسئول در نظارت بر بورس، فرآیند گزارش‌دهی مالی و الزام به رعایت استانداردهای جاری و قوانین همراه با آنها است و در حال حاضر ضروری است تا بیش از پیش نسبت به مسئولیت خود حساسیت به خرج دهد. بازسازی ترکیب هیات اولیه عمومی نظارت و گردش پنج سال یکبار اعضای تیم رهبری حسابرسی، تنها بخش ناچیزی از وظایفی است که آنها